



چهارمین جشنواره علمی - فرهنگی

“سیره امام رضا علیه السلام؛ آموزه ها و کارکرد با باکس تره‌ای”

تیرماه ۱۳۹۹



دهکراست

نشست های علمی “حدیث کرامت”

نشست سیزدهم:

شنبه ۹۹/۴/۱۴ ساعت ۲۱:۳۰

زمان:

ابناء الرضای (و زمین سازی غیبت امام مهدی (عج))

<http://webinar.casax.ir/qom/>

<https://www.aparat.com/jahad-qom/176>

بخش زنده:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر غلامرضا بروجردی لنگ

استاد تمام دانشگاه باقر العلوم



sapp.ir/qomislamic

۰۲۵ - ۳۷۷۲۳۰۲۹

حامیان جشنواره



استادتمام دانشگاه باقرالعلوم(ع):

شرح راهبردهای ابناء الرضا(ع) برای تثبیت مساله مهدویت

استادتمام دانشگاه باقرالعلوم(ع) به راهبردهای ائمه اطهار(ع) برای تثبیت مساله مهدویت در میان جامعه شیعیان و جهان اسلام اشاره کرد.

به گزارش اداره روابط عمومی و بین الملل بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، سیزدهمین نشست از سلسله نشست های مجازی «حدیث کرامت» به همت نمایندگی قم بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی و با حضور و آرایه بحث حجت الاسلام و المسلمین دکتر بهروزی لک استاد تمام دانشگاه باقرالعلوم(ع) با موضوع آموزه مهدویت در احادیث امام رضا(ع) برگزار شد.

وی در ابتدای این نشست، گفت: به فرزندان امام رضا(ع)، یعنی امام جواد(ع)، امام هادی(ع) و امام حسن عسکری(ع) «ابناء الرضاء» گفته شده است. شاهد آن هم نقل هایی است که در آن از امامان مذکور به عنوان «ابناء الرضا» تعبیر شده است.

استاد تمام دانشگاه باقرالعلوم(ع) افزود: راه کارهای بنی الرضا(عج) در آماده سازی شیعیان برای دوره غیبت و پذیرش امام زمان(عج) از مسایل بسیار مهمی است که در این زمینه چند راهبرد به کار برده شده است.

پذیرش امام خردسال

وی اظهار کرد: اصل پدیده امامت امام جواد(ع) در سنین کودکی، بر حکمت خداوند مبتنی بود؛ ولی ایجاد مقبولیت امام و رهبر و خلیفه الهی در سنین کودکی نزد مردم و گردن نهادن به اطاعت از امام در سن کودکی آن حضرت اهمیت بسزایی داشت که نقش امام رضا(ع) در شکل گیری این پذیرش در منابع متعدد آمده است.

این استاد دانشگاه گفت: حاصل کلام امام رضا(ع)، پاسخ به سوالات مطرح شده و شبهات به وجود آمده بود؛ اما آنچه امام جواد(ع) بر عهده داشت، عینیت بخشیدن به پاسخ‌ها در توانمندی یک کودک در عهده داری مسئولیت خطیر امامت و خلافت الهی است. لذا وقتی بزرگان عباسی، به مأمون اعتراض کردند که اگر ابن الرضا، محمد بن علی(ع) را برای ازدواج دخترش در نظر گرفته است، حداقل مهلت بدهد تا او متأدب گردد و در دین فقیه شود؛ مأمون گفت: وای بر شما ایشان از اهل بیته است که علم آنان از خدای تعالی و الهام الهی است.

وی افزود: همین نحوه فعالیت و تلاش در زندگانی امام هادی(ع) تکرار شد. در آن زمان متوکل جلسه‌ای ترتیب داد و ابن سکیت از عالمان بنام آن ناحیه را در مقابل امام هادی(ع) (که در سن کودکی بود) قرار داد. در این جلسه پاسخ‌های کامل امام باعث شد که متوکل به ابن سکیت بگوید: «بس کن!». بنابراین، در پی سیره امام جواد و امام هادی؟ عهدها؟ در یک دوره چند ده ساله در برابر بزرگان و عالمان عصر خود و نظاره گری و رضایت‌مندی شیعیان، جامعه شیعه در خود برای پذیرش امام در سن کودکی آمادگی لازم را پذیرا شده بود.

ایجاد آمادگی بر عدم دسترسی به امام

پژوهشگر و نویسنده تاریخ اسلام یادآور شد: شیعه در طول تاریخ همجواری با امام، برای نجات از انحرافات اعتقادی و دریافت پاسخ سوالات و ابهامات آموزه‌های دینی به طور متداول با برخورداری از حضور فیزیکی و بی واسطه امام از سلسله نبوت و وحی الاهی پاسخ‌ها را درمی‌یافت و با آرامش خاطر طی مسیر می‌کردند؛ با آغاز غیبت، این مسیر با چالش مواجه شد و نقش بسیار برجسته بنو الرضا(ع) آن بود که با راهکارهایی متعدد جامعه شیعه را برای گذر از این چالش‌ها آماده کردند.

وی گفت: ایجاد احساس بی‌نیازی از برخورداری ظاهری یکی از این راهکارهاست. امام گاهی امام با تبیین جایگاه وکلا، شیعیان را به سمت عدم نیاز به دیدار سوق می‌دادند. در واقع وکلای امام، کانال عمده ارتباطی بین شیعیان با آن حضرت بودند. این وضعیت در عصر امام عسکری(ع) نیز ادامه داشت.

حجت الاسلام بهروزی لک افزود: امام حسن عسکری(ع) در پی نصب و معرفی وکیل خود، ابراهیم بن عبده، به جایگاه والای او در وثاقت و امین بودنش سخن به میان آوردند و این که هیچ‌کس از افراد در ترک اطاعت از او پذیرفته نیست. در حقیقت این گستره از مقام و اختیارات وکلا و به‌کار بردن واژه عصیان در ترک اطاعت ابراهیم و دادن لقب، اولیا به او؛ گویای تلاش امام برای اعتماد شیعیان به وکلا و مقدمه چینی برای آغاز غیبت است.

وی گفت: از ظاهر روایت بر می‌آید امام در مدینه الرسول هستند. امام جواد(ع) با این که می‌دانند چندی دیگر خودشان به بغداد فرا خوانده خواهند شد و بعد از ایشان امام هادی(ع) هم به سامرا و دیگر آن جا مکان امامت است. ملاحظه می‌شود که حضرت به ابهام در مکان زندگی حضرت با واژه «حیرت» و «لا این» اشاره دارند؛ ولی به شهر مدینه به طور خاص اشاره می‌کنند. لذا با توجه به پنهان زیستی امام زمان(عج)، در حقیقت امام جواد(ع) شیعیان را برای وضعیت خاص امام عصر(عج) آماده می‌کنند.

نص بر امامت حضرت مهدی(عج)

وی گفت: از مهم‌ترین کارکردهای بنی‌الرضا(عهم) در زمینه سازی غیبت نص انبیاء‌الرضا بر امامت حضرت است. یکی از ادله قطعی دال بر امامت امام، تصریح امام قبل بر امامت امام بعد است. لذا یکی از دلایلی که شیعیان را در عصر غیبت از تحیر و سرگردانی می‌رهاند، نصوص دال بر امامت حضرت مهدی(عج) بود و تصریح ابناء‌الرضا(عهم) بر امامت حضرت مهدی(عج) اعتقادی راسخ در شیعه به‌وجود آورد که در حقیقت نگاه شیعه را به امامت فرزند امام حسن عسکری(ع) بعد از ایشان سیمت و سو داد. این استاد دانشگاه تصریح کرد: در این زمینه امام هادی(ع) فرمودند: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِي الْحَسَنُ ابْنِي، وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْقَائِمُ؛ امام بعد از من پسر من حسن و بعد او فرزندش، قائم است». نیز امام حسن عسکری(ع) فرمودند: «أَنَّهُ لَمَّا حَمَلْتُ جَارِيَهُ أَبِي مُحَمَّدٍ(ع) قَالَ سَتَحْمِلِينَ ذَكَرًا وَ اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ الْقَائِمُ مِنْ بَعْدِي؛ چون جاریه امام عسکری(ع) باردار شد به او فرمود: «تو حامل پسری هستی که نامش محمد است و او قائم پس از من می‌باشد.»

وی گفت: از هر یک از ابناء‌الرضا(ع) روایات متعددی دال بر امامت حضرت وجود دارد که جهت اختصار به دو روایت مذکور بسنده شد. برای دیدن این روایات می‌توان به کمال‌الدین رجوع کرد. نفی مهدی موعود بودن ابناء‌الرضا(ع) یکی از برنامه‌های امامان بود.

وی افزود: در همین زمینه روایاتی از امام هادی(ع) دال بر معرفی امام عصر(عج) وجود دارد و مبنی بر این که شیعه در آینده باید منتظر مهدی موعود در روایات باشد؛ نه اکنون. لذا حضرت فرمودند: امام پس من، فرزندم، حسن و امام بعد از ایشان، فرزندش، قائم(عج) است که خداوند به واسطه ایشان جهان را پر از عدالت خواهد کرد؛ آن‌گونه پر از ظلم گردیده است. علت این تلاش مشخص است: در صورت فقدان آمادگی و زمینه‌های لازم، غیبت ناگهانی امام معصوم، برای شیعیان که دو و نیم قرن از نعمت حضور امامان معصوم(عهم) بهره‌مند بودند؛ می‌توانست واقعه‌ای غیر منتظره و مشکل‌آفرین باشد. چنین حادثه‌ای در طول تاریخ کم نمونه و عجیب بود.

وی گفت: ارتباط با شیعیان از پس پرده، روش گوناگونی ارتباط، ارتباط با نامه و... از جمله راهبردهایی بود که در این زمینه پیگیری شد.

دکتر بهروزی لک بیان کرد: نامشخص و نامود کردن مکان حضرت از جمله راهکارهایی است که ائمه ما در این زمینه دنبال کردند. یکی از زمینه سازی‌های ابناء‌الرضا(ع) در زمان غیبت، ایجاد آمادگی در مردم برای اطاعت از امامی است که مکان زندگی ایشان مشخص نیست. راوی می‌گوید: خدمت امام حسن عسکری(ع) رسیدم و عرض کردم: صاحب امر چه کسی است؟ حضرت فرمود: «پرده را کنار بزن!» پس پسر بچه ای هشت الی ده ساله خارج شد. با این کار امام صاحب امر پس از امام معلوم شد. حاصل این تلاش ابناء‌الرضا(ع) اتحاد تاریخی شیعه به واسطه اهل بیت(ع) در معرفی دوازدهمین وصی، به عنوان مهدی موعود(عج) در روایات.

رازگشایی از ولادت و غیبت

استادتمام دانشگاه باقرالعلوم(ع) بیان کرد: دو مسئله مهم که شیعه در آغاز غیبت، با آن مواجه می‌شد و برای آن پاسخ مناسبی نداشت؛ بحث ولادت و مسئله غیبت بود که چون شیعه در آستانه امامت حضرت مهدی(عج) با پدیده ای جدید به اسم غیبت حجت خدا روبه‌رو می‌شد (که در بطن آن شک به اصل ولادت

نهفته بود) ابناء الرضا(ع) را بر آن داشت که از قبل، زمینه پذیرش این دو مسئله را برای شیعیان هموار کنند و از وقوع آن خبر دهند.

این پژوهشگر و نویسنده تاریخ اسلام گفت: اشاره به ولادت در عین رازداری از جمله سیاست های ائمه در خصوص ولادت و غیبت امام هستند. بررسی مشکلات پیش روی مهدویت برای شیعیان در عصر امام زمان(عج) باعث شد ائمه ابناء الرضا(عهم) تا آنجا که ممکن بود تلاش خود را به کار گرفتند تا از وقوع شبهه بر این مسئله ولادت پیشگیری کنند. طرح مسئله مهدویت قبل از ولادت امام مهدی(عج) را می توان دلیلی قوی بر این نکته دانست.

وی افزود: از امام هادی(ع) در خصوص ولادت حضرت ولی عصر(عج) سؤال شد؛ ایشان فرمودند: «صاحب این امر کسی است که مردم در ولادتش به شک می افتند». البته این نکته مهم است که امام هادی(ع) اصولاً در معرفی امام حسن عسکری(ع) به عنوان جانشین مستقیماً و صراحتاً مطلبی عنوان نمی کردند و جانشینی محمد فرزند بزرگتر خویش را صریحاً رد نمی فرمودند.

حجت الاسلام بهروزی لک یادآور شد: از امام حسن عسکری(ع) سؤال شد: آیا فرزندی دارید؟ فرمود: «بله». سؤال شد: اگر برای شما اتفاقی بیفتد، کجا سراغ ایشان را بگیریم؟ فرمود: «در مدینه». همچنین از آن امام روایات متعددی دال بر ولادت امام زمان(عج) وارد شده است. از طرفی امام حسن عسکری(ع) همگام با ولادت امام زمان(عج)، از اشاعه و بر زبان افتادن ولادت ایشان بر حذر بودند تا جایی که در حدیثی از پیامبر اکرم(ص) درباره ایشان آمده است: «ثُمَّ ابْنُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الصَّامِتِ الْأَمِينِ لِسِرِّ اللَّهِ؛ فرزند امام هادی(ع) حسن ساکت و امین برای سر الله امام زمان(عج) است».

وی گفت: با نگاهی به روایات ولادت مشخص می شود که برای این امامان بزرگوار، مسئله حیرت شیعه در آینده به طور کامل، آشکار بوده است. لذا امام هادی(ع) به این سرگردانی تصریح دارند و عمداً به ولادت حضرت اشاره می کنند تا مسیر حق و اطاعت و پذیرش امام دوازدهم برای شیعیان هموار باشد.

استاد تمام دانشگاه باقر العلوم(ع) با ذکر این مطلب که ابهام زدایی از غیبت از جمله راهکارهای ائمه در این حوزه بود، اظهار کرد: نه تنها امام جواد(ع) در روایات متعدد به غیبت آن حضرت اشاره دارند، بلکه ویژگی های غیبت را هم در برخی موارد بیان می فرمایند: «لَمْ سَمِيَ الْمُنْتَظَرِ قَالَ لِأَنَّ لَهُ عَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطْوُلُ أَمْدُهَا؛ چرا به ایشان منتظر گویند، فرمودند: «چون برای ایشان غیبتی است که ایام آن بسیار و مدت آن طولانی می گردد».

نمایاندن حضرت به خواص

وی اظهار کرد: در این زمینه به عنوان نمونه حسن بن ایوب می گوید: ما با حدود چهل نفر از شیعیان که احمد بن هلال نیز در بین آنها بود، در بیت امام عسکری(ع) حاضر شدیم تا در مورد امام بعدی از آن حضرت سؤال کنیم. عثمان بن سعید عمری برخاست و گفت: می خواهم مطلبی بپرسم که امام عسکری(ع) به او اجازه نداد و لذا غضبناک برخاست تا از مجلس خارج شود که امام از ما خواستند کسی از مجلس خارج نشود و بعد از لحظاتی فرزندش که مانند پاره ماه می درخشید و بسیار شبیه آن حضرت بود، به ما نشان داده شد و امام او را به عنوان امام و جانشین بعد از خود معرفی کردند.

این استاد دانشگاه اظهار کرد: در حقیقت امام حسن عسکری (ع) دریافته بود که یکی از شاخص‌های «واقفه» برای احراز امامت امام، فرزند داشتن آن امام بوده است. به همین دلیل، آنان امامت امام رضا (ع) را به دلیل نداشتن و ندیدن فرزندش مورد تردید می‌دانستند. از آنجا که این تردید در مورد امامت فرزند امام حسن عسکری (ع) نیز وجود خواهد داشت؛ امام حسن عسکری (ع) در صدد بر آمد در اقدامی منطقی و هوشمندانه، بهانه شبهه‌افکنان در باره امامتش را بزداید. لذا فرزندش را به عنوان امام بعد از خود به آن‌ها نشان داد و بر امامت و اطاعت از بعد از خودش تأکید کرد تا دیگر هیچ جایی برای شک و تردید وجود نداشته باشد.

وی گفت: همچنین با نشان دادن امام دوازدهم (عج) به آنان، مصداق مهدی موعود بر همگان مشخص شد و بطلان تفکر واقفه و همفکران آنان که امام هفتم (ع) را قائم می‌دانستند، بر جویندگان حقیقت روشن گردید و به این ترتیب، عذر و بهانه‌ای در عدم شناخت مصداق امام دوازدهم (عج) برای شبهه‌افکنان باقی نماند.

ارجاع شیعیان به منابع صحیح حدیثی

وی افزود: یکی از روش‌هایی که در سیره بنو الرضا (عهم) به منظور زمینه‌سازی و آمادگی شیعه برای رویارویی با غیبت حضرت ملاحظه می‌شود، ارجاع به منابع اصیل و صحیح روایی است. بورق، یکی از اصحاب امام حسن عسکری (ع) که در مکه از زندانی شدن حضرت با خبر شد و احساس کرد شیعیان برای دستیابی به احکام دین دچار مشکل و سرگردانی شده‌اند؛ در مراجعت از حج، نزد امام رفت تا برای جامعه شیعه در احکام شرعی راهنمایی جوید. وی کتاب «یوم و لیل» را نزد امام برد؛ حضرت با دیدن آن فرمود: «عمل به این کتاب برای شیعیان سزاوار است.»

حجت الاسلام بهروزی لک تصریح کرد: این تایید امام در حقیقت راه مراجعه با منابع حدیثی و عالمان بزرگ صاحب تالیفات حدیثی را به شیعیان در زمان نبود امام نشان می‌دهد.

مدیریت چالش مدعی امامت

وی یادآور شد: می‌توان گفت مهم‌ترین چالش‌های پذیرش امام مهدی (عج)، به‌عنوان امام، تلاش و مقدمه چینی برای غصب مقام امامت توسط جعفر، عموی حضرت (ع) بود که با توجه به این که بروز انحراف او در زمان دو امام بزرگوار: امام هادی و امام حسن عسکری (عهما) شکل گرفت، برخورد با او و نفی وی را از سوی هر دو امام در دوران امامتشان ملاحظه می‌کنیم.

دکتر بهروزی لک گفت: شیخ صدوق نقل می‌کند: هنگامی که جعفر متولد شد، همه اهل خانه، به جز امام هادی (ع) خوشحال بودند. درباره علت عدم خوشحالی امام سوال می‌شود و امام در پاسخ می‌فرماید: «او خلق فراوانی را گمراه خواهد کرد». همچنین امام هادی (ع) به یارانش چنین دستور می‌دهد: «از پسر جعفر اجتناب کنید؛ او برای من به منزله پسر نوح است.»

وی افزود: پس از شهادت امام هادی (ع) و آغاز دوران امامت امام عسکری (ع)، آن حضرت در مقابل ادعاهای جعفر ایستادگی کردند و در هشدار به شیعیان برای پذیرش امام بعد خود، نسبت بین خود و جعفر را مانند رابطه فرزندان حضرت آدم دانسته و فرمودند: به خدا سوگند مثل من و او، مثل هابیل و قابیل از فرزندان آدم است؛ آنجا که قابیل از هابیل در آنچه خداوند بر او از فضلش بخشیده بود؛ حسد ورزید و او

را به قتل رسانید و اگر برای جعفر هم زمینه‌اش آماده بود، مرا به قتل می‌رساند؛ اما خواست خدا چنین نیست که او به این امر موفق گردد.

استاد تمام حوزه بیان کرد: بنابراین، آن امام بزرگوار تمام تلاش خود را برای زمینه سازی غیبت و عدم تحیر شیعیان به‌کار گرفتند. البته جعفر پس از شهادت امام حسن عسکری(ع) تلاش هایی برای غصب جایگاه امامت به عنوان فرزند امام، خود را وصی برادر معرفی کرد و تا حدودی در مقطعی کوتاه موفق نیز گردید؛ ولی همان برخورد ابناء الرضا؟ عهما؟ در طول دوران امامت پر برکتشان، باعث شد که جعفر نتواند شیعیان را از مسیر حق خارج کند و با مانع این مهم گردد که شیعیان امام زمان خود را بشناسند و حق را از باطل تشخیص دهند.

ساماندهی سازمان وکالت

دکتر بهروزی لک بیان کرد: تأسیس سازمان وکالت، به قبل از امامت بنوالرضا(عهم) و بر اساس قرائن در دوران امامت امام صادق(ع)؛ اما مسئله پیش رو برای امت شیعه، رویارویی با عصر غیبت و عدم دسترسی به امام است. از طرف دیگر، اگر چه منابع حدیثی در آن زمان وجود داشت؛ بی‌تردید تمام شیعیان سواد خواندن و صلاحیت فهم و استدلال به حدیث را نداشتند و لذا بنوالرضا(عهم) به تقویت این سازمان و شریعت بخشیدن مردم در رجوع به این سازمان کوشیدند.

وی گفت: وکالت به مفهوم «نمایندگان عمومی ائمه(عهم) برای اجرای سلسله وظایفی خاص در میان شیعیان» می‌باشد. تطور سازمان وکالت تا زمان غیبت بر سه گام اساسی مبتنی بوده است: یک. اصل تأسیس سازمان وکالت که توسط امام صادق(ع) انجام پذیرفت؛ دو. تثبیت جایگاه سازمان وکالت که اهمیت آن از تأسیس آن کمتر نبود و به اهتمام ائمه بعد تحقق پیدا کرد؛ سه. اما آنچه توسط ابناء الرضا(عهم) صورت گرفت، مرحله بعدی بود و آن، این که تا زمان امام حسن عسکری(ع)، حتی پس از تثبیت جایگاه سازمان وکالت، رهبری آن با امام حاضر بود.

این استاد حوزه و دانشگاه در ادامه اظهار کرد: اکنون باید پذیرش و مقبولیت سازمان وکالت را طوری ترسیم کنند که این سازمان شگرف، در صورت غیبت رهبر و امام، توسط وکلای خاص جایگاه خودش را حفظ کند و بالاتر از آن، در زمان غیبت تام امام که مردم باید همه چیز را به نایب عام بسپارند، باز هم سازمان، اعتبار و موقعیت خود را از دست ندهد.

وی گفت: این مرحله سوم که بسیار مهم است، به همت ابناء الرضا(عهم) تحقق پذیرفت تا شیعیان بر وکلا اعتماد کامل بورزند و سخنان آنان را به مثابه سخن امام خویش بپذیرند.

استاد تمام دانشگاه باقرالعلوم(ع) اظهار کرد: پذیرش سازمان وکالت به عنوان جانشین امام و برخورد با وکلای منحرف از جمله اقدامات مهم ائمه ما بود. از آنجا که سازمان وکالت، به‌عنوان نهادی تشکیلاتی از سوی امامان معصوم(ع) برای مدیریت دینی و عبادی شیعیان در مسیر حق بنیان شده بود و با توجه به نقش امامان معصوم(ع) در راس این سازمان و از طرفی چون اقدامات وکلا در سراسر نواحی اسلامی به‌عنوان مرجع اصلی شیعیان و تالی تلو دستورهای امام معصوم(ع) بود.

وی اظهار کرد: از این رو، لازمه سلامت وکلا، سلامت سازمان وکالت بود و انحراف در آن، انحراف در دین را در پی داشت. در نتیجه امامان معصوم(عهم) از ابتدای تشکیل این سازمان، وکلا را زیر نظر داشته

و همان‌طور که از شایستگان وکلا، همچون عثمان بن سعید عمری قدردانی میکردند؛ متقابلاً با وکلایی که از صراط مستقیم و مبانی سازمان وکالت منحرف می‌گشتند، شدیداً برخورد می‌کردند.

دکتر بهروزی لک گفت: بدیهی و تا حدودی طبیعی است در سازمانی که ده‌ها وکیل ورود پیدا می‌کنند، در طول زمان، انحرافات در برخی افراد (به دلیل بروز انگیزه‌های متفاوت) به‌وجود خواهد آمد و سازمان وکالت مذکور؛ اگر چه توسط ائمه (ع) با گزینش بهترین افراد بنیان گذاشته شد؛ اختیارات و جایگاه وکالت به‌خودی خود برای افراد ضعیف النفس انحراف‌زا بود که البته منحرفان و متزلزلان با برخورد تند امامان (ع) و به خصوص ابن‌الرضا (ع) مواجه بودند.

استاد حوزه و دانشگاه بیان کرد: از کسانی که مورد نفرین امام جواد (ع) قرار گرفتند، ابا سمهری ابن ابی الزرقاء می‌باشند که این پدر و فرزند از یاران حضرت بودند؛ ولی به خاطر انحراف آن‌ها، حضرت از آنان تبری جست و ریختن خون‌شان را مباح دانست. از دیگر کسانی که مورد ذم و نکوهش امام هادی (ع) قرار گرفته است، فارس بن حاتم بن ماهویه قزوینی است.

وی یادآور شد: علاوه بر این‌ها، امام هادی (ع) افراد دیگری را که صاحب نفوذ بودند و منحرف شدند؛ لعن و طرد کرده‌اند: «قَالَ نَصْرُ بْنُ الصَّبَّاحِ: أَحْسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ بَابَا وَ مُحَمَّدٌ بْنُ نُصَيْرِ النَّمَيْرِيِّ وَ فَارِسُ بْنُ حَاتِمِ الْقَرْوِينِيِّ لَعَنَ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ (ع)». شخصیتی همچون احمد بن هلال عبرتایی، فردی بود شناخته شده از نظر علم و عبادت؛ ولی منحرف و در نهایت نیابت محمد عثمان را هم منکر شد. این شخصیت دارای جایگاه خاصی در بین شیعیان بود؛ عمدتاً به سبب ویژگی‌های معنوی، از جمله این که پنجاه و چهار حج رفته که بیست مرتبه مرتبه را پیاده به مکه مشرف شده بود.

وی افزود: احمد بن هلال عبرتایی هم از سوی امام حسن عسکری (ع) مورد لعن واقع شد و هم از ناحیه حضرت مهدی (عج) که در مجموع سه توفیق در لعن او صادر شد.

این استاد دانشگاه گفت: ابن‌الرضا (ع) در مورد زمینه‌سازی برای غیبت حضرت مهدی (عج) در ابعاد وسیعی فعالیت کردند. این بزرگواران، نه‌تنها در فکر ترسیم بایسته‌های مواجهه شیعیان در عصر غیبت بودند، بلکه در اصل پذیرش امام زمان (عج) برای امت تلاش فراوان کردند تا جایی که علاوه بر نصوص در امامت حضرت و اشاره به ویژگی‌های ایشان، رامگشای عملکرد عالمان بعدی در استدلال به کلام ایشان، در پاسخ به شبهات گوناگون مطرح در عصر غیبت شدند.

دکتر بهروزی لک بیان کرد: امام جواد (ع) که در کودکی به امامت رسیدند، با حضور در بین مردم و شرکت در جلسات پاسخگویی برای ابهامات و شبهات، این نکته را برای موافقان و مخالفان بر مسئله باور نشانند که انتصاب به امامت، برای کودک نیز امکان‌پذیر است.

استاد تمام دانشگاه اظهار کرد: همچنین ایجاد زمینه برای نوع ارتباط با امام غایب، دو گونه برنامه ریزی شده بود: ابتدا دیدار با واسطه را بنوالرضا (ع) ترویج می‌کردند (یا از پس پرده یا پاسخ با واسطه) و دوم، تقویت سازمانی گسترده که قبلاً بنا گذاشته شده بود، (برای دوران غیبت طولانی) تا شیعه در رجوع به عالمان و آرامش و سلامت دینی دچار حیرت و تردید نباشند.